

برآورد فقر و شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی

علی اکبر خسروی نژاد*

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۲۵

تاریخ دریافت: ۹۰/۱۱/۲۳

چکیده

در این مقاله فقر نسبی مورد توجه قرار گرفته و خط فقر بر اساس رویکرد رفتار مصرفی و مطلوبیت‌گرایی در قالب سیستم مخارج خطی با استفاده از داده‌های خام بودجه خانوار که در طبقات پنج‌گانه گروه‌بندی شده‌اند، برای جوامع شهری و روستایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ برآورد شده است. سپس شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر و شاخص فوستر، گریب و توربیک (FGT) محاسبه و تحلیل شده است. نتایج حاکی از آن است که در نیمه اول دوره مطالعه شاخص‌های فقر روند تقریباً نزولی را طی کرده‌اند، این در حالی است که نیمه دوم، تصویری از صعودی بودن شاخص‌های فقر را ارائه می‌کند. از این‌رو، توجه هرچه بیشتر به پدیده فقر، پایش مستمر آن، و تلاش بیشتر برای فقرزدایی را یادآور می‌شود.

طبقه بندی JEL : I32, D32

واژگان کلیدی: فقر، شاخص‌های فقر، شکاف فقر، سیستم مخارج خطی.

* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران مرکزی، گروه اقتصاد، تهران، ایران (نویسنده مسئول)، پست الکترونیکی: khosravinejad@gmail.com

۱. مقدمه

طی دهه‌های گذشته اقتصاد ایران با مشکلات اقتصادی مختلفی مواجه بوده است. افزایش تورم، بیکاری، کسری ترازپرداخت‌ها و... در سطح اقتصاد کلان و آثار و عواقب آن بر روی فقر، توزیع درآمد و... در سطح اقتصاد خرد از جمله مشکلاتی است که توجه بیشتری را به خود معطوف داشته است. رشد جمعیت، افزایش سطح مصرف (هم در سطح خانوار و فرد، و هم در سطح جمعی)، منابع مالی بیشتری را برای انجام تعهدات رفاهی دولت طلب می‌نماید. از این‌رو مباحث مربوط به تعدیل قیمت‌ها و اصلاحات ساختاری که از دهه هفتاد شمسی مطرح شده بود در اواخر دهه هشتاد شدت بیشتری یافت و منجر به تصویب قانون هدفمندی یارانه‌ها گردید. اثرات این تعدیل قیمت‌ها بر روی فقر، موضوع مهمی است که مسلماً ارزیابی آن با داده‌های تحقق یافته پس از اجرای این سیاست قابل انجام است. یک جنبه دیگر موضوع تصویر وضعیت فقر در جوامع شهری و روستایی در سال‌های قبل و نزدیک به اجرای این سیاست است. از این‌رو هدف از مقاله حاضر ارائه تصویر فقر در جوامع شهری و روستایی بر اساس شاخص‌های تعریف شده در ادبیات فقر است.

پژوهش‌های صورت گرفته در مورد اندازه‌گیری فقر را می‌توان به دو گروه تقسیم نمود:

الف) تحقیقاتی که مبتنی بر نیازهای ضروری بوده و خط فقر بر اساس هزینه کسب حداقل سببی از تمامی نیازهای خوراکی و غیر خوراکی محاسبه می‌شوند.

ب) پژوهش‌هایی که بر رهیافت حداقل کالری مورد نیاز استوار می‌باشند. در این مورد، عمده مطالعات به تعریف فقر بر حسب خط فقر غذایی محدود شده و ملاک فقر، درآمد لازم برای احراز ۲۰۰۰ تا ۲۱۷۵ کالری در هر روز برای فرد بالغ است.

برخی مطالعات انجام شده در مورد اندازه‌گیری فقر در ایران عبارتند از: عظیمی (۱۳۷۴) به برآورد و اندازه‌گیری خط فقر برای سال ۱۳۵۵ پرداخته است. هاشمی و خسروی‌نژاد (۱۳۷۴) با استفاده از سیستم مخارج خطی، حداقل معاش‌ها را برای خانوارهای شهری ایران برآورد کرده‌اند. پژویان (۱۳۷۸) در تعریف فقر به عدم توانایی خانوار در فراهم نمودن نیازهای اساسی خود خصوصاً سلامت جسم و تغذیه،

توجه کرده است. رویکرد وی در اندازه‌گیری فقر، در گروه دوم قرار دارد. متوسلی و صمدی (۱۳۷۸) به مطالعه کاهش فقر، کارایی و نابرابری در ایران با استفاده از الگوی سیستم مخارج خطی پرداختند. نادران و غلامی (۱۳۷۹) با استفاده از سیستم مخارج خطی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی خانوارهای شهری استان مازندران را بررسی کردند. این دو مطالعه اخیر بر اساس رویکرد اول شکل گرفته‌اند. خدادادکاشی و دیگران (۱۳۸۱) بر اساس رویکرد دوم به محاسبه شاخص‌های فقر پرداخته‌اند. ابونوری و مالکی (۱۳۸۶) بر مبنای رهیافت نخست، فقر را در استان سمنان برآورد نمودند. امینی و فخر حسینی (۱۳۸۷) حداقل معاش‌ها را برای خانوارهای شهری و روستایی کشور و استان کردستان برآورد نمودند. مهرگان و دیگران (۱۳۸۷) اثر رشد بخش‌های مختلف اقتصادی را بر روی توزیع درآمد مورد مطالعه قرار داده‌اند.

هدف این مقاله برآورد خط فقر و اندازه‌گیری شاخص‌های فقر می‌باشد. بنابراین، پس از مقدمه، تعاریف و شاخص‌های فقر مرور شده‌اند. در قسمت سوم، روش مطالعه که اندازه‌گیری فقر مبتنی بر رویکرد حداقل نیازها در قالب بررسی رفتار مصرف‌کننده و مطلوبیت‌گرایی است، آمده است. قسمت چهارم به معرفی سیستم مخارج خطی اختصاص یافته و در قسمت پنجم داده‌ها و روش تخمین آمده است. قسمت ششم به برآورد سیستم مخارج خطی برای خانوارهای شهری و روستایی می‌پردازد. قسمت هفتم مقاله به برآورد خط فقر و محاسبه شاخص‌های فقر اختصاص یافته و در نهایت مقاله با جمع‌بندی و نتیجه‌گیری به اتمام رسیده است.

۲. مروری بر تعاریف فقر و شاخص‌های فقر

فقر به صورت‌های گوناگون تعریف شده است و مفهوم آن در طی زمان و بر اثر تحولات اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی تغییر یافته است. فقر را می‌توان از جهات گوناگون تعریف و تقسیم‌بندی نمود. در تعریف تانسندها^۱ بر فقدان منابع برای کسب انواع رژیم‌های غذایی، مشارکت در فعالیت‌ها و شرایط و امکانات معمول زندگی

1. Townsend

توجه شده است. سن^۱ فقر را به صورت محرومیت از قابلیت‌های اساسی در نظر گرفته و بر نسبی بودن مفهوم فقر در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، تاکید می‌کند. از نظر بانک توسعه آسیا، فقر محرومیت از دارایی‌ها و فرصت‌هایی است که هر فرد مستحق آن‌ها می‌باشد. بوت و روانتری^۲ به فقر از منظر فقر مطلق و نسبی توجه نموده و میان این دو تمایز قائل می‌شوند. فقر مطلق به عنوان ناتوانی در کسب حداقل استاندارد زندگی و فقر نسبی به عنوان ناتوانی در کسب یک سطح معین از استانداردهای زندگی که در جامعه فعلی، لازم یا مطلوب تشخیص داده می‌شود، تعریف شده است.

تعریف خط فقر

بسته به این که در تعریف فقر مفهوم مطلق یا نسبی در نظر گرفته شود، آستانه‌ای تعریف می‌شود که مرز بین فقیران و سایر افراد جامعه را مشخص می‌کند. این آستانه، خط فقر نامیده می‌شود. براساس تعریف، خط فقر مطلق عبارت است از «مقدار درآمدی که با توجه به زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی، ... جامعه مورد بررسی برای تامین حداقل نیازهای افراد (مانند غذا، پوشاک، مسکن و ...) لازم است» و یا حداقل شرایطی (مانند حداقل میزان درآمد، تحصیلات، مسکن و ...) است که عدم تامین آن موجب می‌شود تا فرد مورد بررسی به عنوان فقیر در نظر گرفته شود. این روش تعیین خط فقر را «روش نیازهای اساسی» نیز می‌گویند. خط فقر نسبی هم به صورت درصد معینی از درآمد جامعه (یا میانگین درآمد جامعه) و یا به شکل یک مرز درآمدی که درصد معینی از افراد جامعه پایین‌تر از آن قرار می‌گیرند، تعریف می‌شود.

شاخص‌های فقر

برای درک بهتر اندازه فقر در هر جامعه، در ادبیات اقتصاد شاخص‌هایی معرفی شده‌اند که شناختی از وضعیت فقر ارائه می‌دهند. در این قسمت به برخی از شاخص‌های فقر اشاره‌های خواهیم داشت.

1. Amartya Kumar Sen
2. Booth & Rowntree

شاخص نسبت سرشمار (نرخ فقر): رایج‌ترین شاخص فقر تا سال ۱۹۷۰ نسبت سرشمار فقر بوده است. این شاخص به صورت نسبت تعداد افراد فقیر به تعداد کل افراد جامعه تعریف شده است:

$$H = \frac{q}{n} \quad (1)$$

که در آن: q تعداد افراد فقیر و n تعداد کل افراد جامعه است. اندازه این شاخص بین صفر (حالتی که هیچ فقیری در جامعه وجود ندارد) و یک (حالتی که درآمد کلیه افراد جامعه کمتر از درآمد متناظر با خط فقر باشد) تغییر می‌کند. این شاخص نسبت به انتقال درآمد بین فقرا و حتی بین فقیرها و غیرفقیرها حساس نمی‌باشد. افزون بر آن، این شاخص نسبت به کاهش درآمد فقرا نیز حساس نمی‌باشد.

شاخص شکاف فقر: این شاخص بر فاصله کلی فقرا نسبت به خط فقر مبتنی است، که نشان‌دهنده عمق فقر است. به عبارتی، این شاخص میانگین شکاف فقر در جامعه است که در آن شکاف فقر برای افراد غیر فقیر صفر محسوب می‌گردد. شاخص شکاف فقر، مقدار درآمد لازم برای انتقال فقرا به بالای خط فقر می‌باشد.

$$P_{gap} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \frac{(z - x_i)}{z} \quad (2)$$

n تعداد افراد جامعه، q تعداد افراد فقیر، z خط فقر و x_i درآمد i امین فرد فقیر می‌باشد. این شاخص ارایه دهنده وسعت فقر است. اگر در دو جامعه مختلف شاخص فقر نسبت سرشمار یکسان باشد، براساس شاخص شکاف فقر، فقر در جامعه‌ای بیشتر است که دارای تعداد اعضای بیش‌تری است که از خط فقر فاصله زیادتری دارند.

شاخص فوستر، گریر و توربک

علت استفاده از این شاخص نشان دادن نسبت افراد فقیر و عمق فقر در جامعه مورد مطالعه است که توسط فوستر، گریر و توربک (۱۹۸۴) پیشنهاد گردیده است. آن‌ها تجزیه‌پذیری را از ویژگی‌های مهم یک شاخص فقر مطلوب می‌دانستند، به طوری که میزان فقر حاصل از بررسی زیرگروه‌های مختلف جمعیت را می‌توان با هم جمع کرد و

به میزان واحدی از فقر کل جمعیت دست یافت. این شاخص را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$FGT_{\alpha} = P_{\alpha} = \frac{1}{n} \sum_{i=1}^q \frac{(z - x_i)^{\alpha}}{z^{\alpha}} \quad (3)$$

در این شاخص، فقر اساساً به عنوان تابعی از نسبت شکاف فقر تلقی شده که در آن $\alpha \geq 0$ ، میزان تنفر و گریز از فقر در جامعه را نشان می‌دهد که هر چه مقدار آن بیشتر باشد به این معنی است که جامعه از فقر گریزان‌تر بوده و باید به فقیرترین افراد اهمیت بیشتری داد. اگر پارامتر α صفر باشد این شاخص، به شاخص سرشمار و اگر برابر با یک باشد، این شاخص به شاخص شکاف فقر تبدیل می‌شود. اگر $\alpha = 2$ باشد یعنی این شاخص حساسیت بیشتری به عمق فقر نشان می‌دهد و به شاخص FGT تبدیل می‌گردد.

۳. روش مطالعه

بعد از مطالعه آرماتياسن (۱۹۷۶)، ادبیات اقتصادی اندازه‌گیری رفاه جامعه فقیر بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. براساس نظر سن، تحلیل فقر نیازمند حل دو مسئله شناسایی و هم‌فزونی است. مسئله شناسایی متضمن امکان شناسایی فقرا از کل جمعیت براساس خط فقر (PL) است. مسئله هم‌فزونی در برگرنده کشف ابزارهایی است که از طریق آن توزیع وضعیت رفاهی افراد و تغییرات آن نسبت به معیار فقر مشخص می‌شود. این معیار می‌تواند به عنوان زیان اجتماعی ناشی از قرار گرفتن افرادی که دارای درآمدی پایین‌تر از خط فقر هستند، تفسیر گردد. برای این منظور ضروری است که این معیار با اصول موضوع بسط داده شده در ادبیات اقتصاد رفاه، سازگار باشد.

مسئله شناسایی: شناسایی فقرا، با استفاده از برآورد خط فقر، گام ضروری در تحلیل اثرات رفاهی جمعیت فقیر در اصلاح قیمت‌ها است. یک روش مرسوم در برآورد خط فقر، روش مبتنی بر نیازهای اساسی در انرژی مواد غذایی است (بی‌بی به نقل از گریب و توربک، ۱۹۸۶، ۱۸۰).

ضعف این روش آن است که تمامی نیازهای جامعه را در بر نمی‌گیرد. گزینه بهتر

آن است که خط فقر را بر اساس تئوری رفتار مصرف‌کننده استخراج نماییم (بی‌بی به نقل از راولیون ۱۹۹۶، ۱۸۱).

تعیین خط فقر به‌ندرت براساس شرایط مطلوبیت‌گرایان فرموله می‌شود. در نظریه، رویکرد مطلوبیت‌گرایی می‌بایست برآورد خط فقر مطابق با یک سطح حداقل مطلوبیت امکان‌پذیر باشد، یا براساس منحنی بی‌تفاوتی که حدود سطح رفاهی یک فرد فقیر را از سطح رفاهی یک فرد غیر فقیر تعیین می‌کند، به‌دست آید. بنابراین، تابع مخارج جبرانی برای هر سطح داده شده‌ای از سیستم قیمت، حداقل مخارج لازم را برای احراز سطح حداقل مطلوبیت ارائه می‌کند. به‌عنوان مثال، سطح رفاهی یک فرد ممکن است توسط تابع مطلوبیت استون-گیری نشان داده شود.

بورگونیون و فلد (۱۹۹۷) تاکید می‌کنند که وقتی مدل سیستم مخارج خطی برای مطالعه رفتار مصرفی به‌کار می‌رود، می‌بایست فرض شود که تمامی خانوارهایی که درآمدی کمتر از حداقل معاش دارند (درآمدی که برای خرید حداقل سبد معیشتی لازم است) فقیر قلمداد می‌شوند.

مسئله هم‌فزونی: جهت حل مسئله هم‌فزونی، به یک نقشه از توزیع رفاه فردی نسبت به یک معیار محوری از فقر، نیاز می‌باشد. معیار فقری که برای تحلیل مورد نیاز است می‌بایست اصول موضوعه یکنواختی، انتقال، حساسیت انتقال و تجزیه‌پذیری را احراز نماید.

- اصل موضوع یکنواختی: کاهش در درآمد فرد فقیر، به‌شرط ثابت بودن سایر شرایط، معیار فقر را افزایش می‌دهد.

- اصل موضوع انتقال: انتقال درآمد از یک شخص فقیر به شخص فقیرتر، به‌شرط ثابت بودن سایر شرایط، معیار فقر را افزایش می‌دهد.

- اصل موضوع حساسیت-انتقال: برای هر عدد مثبت صحیح ρ و هر زوج فقیر j و h ، در صورتی که $j > h$ باشد، آنگاه $\Delta p^{h, h+\rho} > \Delta p^{j, j+h}$ خواهد بود که در آن $\Delta p^{h, h+\rho}$ افزایش در معیار فقر ناشی از انتقال درآمد از فرد فقیر h ام به $(h + \rho)$ امین فرد فقیر است.

- اصل موضوع تجزیه‌پذیری: فرض کنید که Y^f بردار درآمد حاصل از تغییر درآمد

زیر گروه C از Y_c به Y_c^f باشد که در آن تعداد خانوارهای موجود در زیر گروه C (یعنی H_c) تغییر نکرده است. چنانچه Y_c^f وضعیتی فقیرتر از Y_c باشد، آنگاه Y_c^f همچنین فقیرتر از Y خواهد بود.

گروه شاخص‌های فقر معرفی شده توسط فاستر و دیگران که توسط معادله (۳) معرفی شد، اصول موضوعه فوق را برآورده می‌سازد.

در این مقاله برای برآورد خط فقر از رویکرد رفتار مصرفی و مطلوبیت‌گرایی توسط برازش سیستم مخارج خطی و برای محاسبه شاخص‌های فقر، از شاخص فاستر، گریر و توربک استفاده گردیده است.

۴. سیستم مخارج خطی

در اواخر دهه ۴۰ میلادی کلاین و روبین (۱۹۴۸) مجموعه کاملی از روابط تقاضا را ارائه کردند که در طول زمان به سیستم مخارج خطی موسوم شد. گری (۱۹۵۰) و ساملسون (۱۹۴۸) نشان دادند که روابط تقاضای کلاین-روبین دلالت به تابع مطلوبیت زیر دارد:

$$u = \sum_{i=1}^n \beta_i \ln(q_i - \gamma_i) \quad (4)$$

$$\sum \beta_i = 1, \quad 0 < \beta_i < 1, \quad \gamma_i > 0, \quad (q_i - \gamma_i) > 0$$

در معادله (۴)، u شاخص مطلوبیت، γ_i حداقل معاش یا حداقل میزان مصرف کالای i ام می‌باشد، هم چنین β_i ها سهم نهایی مخارج فرامعیشتی هستند. شرط $\sum \beta_i = 1$ برای انحنای لازم در منحنی بی‌تفاوتی، یعنی این که تابع مطلوبیت کاملاً شبه مقعر باشد، ضروری است.

سیستم مخارج خطی، با حداکثر کردن تابع مطلوبیت (۴) نسبت به محدودیت بودجه به دست می‌آید. نتیجه حاصل از حداکثرسازی به صورت زیر می‌باشد:

$$q_i = \gamma_i + \frac{\beta_i}{p_i} (M - \sum_k p_k \gamma_k) \quad (5)$$

$$p_i q_i = p_i \gamma_i + \beta_i (M - \sum_k p_k \gamma_k) \quad (6)$$

معادله (۶) نشانگر دستگاه معادلات سیستم مخارج خطی می‌باشد.

سیستم مخارج خطی در حالت پویا

جهت برآورد توابع تقاضا با استفاده از مشاهدات دوره‌های زمانی مختلف، فرض می‌شود که ساختار تقاضا در تمامی دوره‌های زمانی یکسان بوده است و دچار تغییر ساختاری نمی‌شود و یا این‌که با فرض‌های مشخص، چگونگی تغییرات توابع تقاضا را تبیین کنیم. از نظر تکنیکی و مدل‌سازی، به کار گرفتن γ به صورت متغیر که تغییر ساختار تقاضا را ممکن می‌سازد، در سیستم مخارج خطی نسبتاً ساده می‌باشد، زیرا γ ها به صورت خطی وارد سیستم مخارج خطی می‌شوند. می‌توان تابع تقاضا را برای کالای i ام معادله (۵) به صورتی که γ در طی زمان تغییر می‌کند، همانند زیر نوشت:

$$q_{it} = \gamma_{it} + \frac{\beta_i}{p_i} (M - \sum_k \gamma_{kt} p_{kt}) \quad k = 1, 2, \dots, n \quad (7)$$

و یا

$$q_{it} = \gamma_{it} - \frac{\beta_i}{p_i} \sum_k \gamma_k p_k + \frac{\beta_i}{p_i} M \quad k = 1, 2, \dots, n \quad (8)$$

که γ_{kt} مقدار لازم کالای k ام در زمان t یا به عبارتی؛ حداقل میزان از کالای k ام می‌باشد که مصرف‌کننده در زمان t مصرف کرده است. توابع تقاضا در دوره t از تابع مطلوبیت زیر به دست آمده‌اند:

$$\sum_{k=1}^n u^k(q_t) = \sum_{k=1}^n \beta_k \ln(q_{kt} - \gamma_{kt}) \quad k = 1, 2, \dots, n \quad (9)$$

$$q_k > 0 \quad q_{kt} - \gamma_{kt} > 0 \quad \sum_{k=1}^n \beta_k = 1$$

شرایط و خصوصیات را که در مورد تابع مطلوبیت (۴) ذکر گردید، دقیقاً در مورد تابع مطلوبیت (۹) نیز صدق می‌کند و این شرایط و خصوصیات در هر دوره زمانی باید احراز شود. بنابراین، فرض‌های مختلفی را در مورد رفتار مصرفی خانوارها در طی زمان

در رابطه با حداقل معاش می‌توان در نظر گرفت.^۱ ساده‌ترین فرض این است که γ ها در طول زمان دچار تغییر می‌شود و این تغییرات به صورت تابع خطی $\gamma_{it} = \gamma_i^* + \alpha_i t$ می‌باشد. رابطه مذکور بیان می‌کند که γ تابع خطی از متغیر زمان است یا به عبارتی، حداقل میزان کالایی است که در هر دوره توسط خانوارها برای هر کالا صرف می‌شود. فرض دوم بر مفهوم «شکل‌گیری عادت»^۲ بنا شده است. در مدل «شکل‌گیری عادت» فرض می‌شود که میزان حداقل مصرف کالا در زمان t به میزان مصرف همان کالا در زمان گذشته بستگی دارد. بنابراین می‌توان نوشت:

$$\gamma_{it} = \gamma_i^* + \alpha_i q_{it-1} \quad (10)$$

چنانچه در رابطه (۱۰)، α ها را مساوی صفر قرار دهیم، حالت خاصی از فرض شکل‌گیری عادت را آرایه می‌کند که به صورت $\gamma_{it} = \gamma_i^*$ است. یعنی این‌که حداقل میزان مصرف کالای i ام در طول زمان ثابت است. یک حالت خاص دیگر از فرض شکل‌گیری عادت، مدل عادت نسبی است که به صورت زیر معرفی می‌شود:

$$\gamma_{it} = \alpha_i q_{it-1} \quad (11)$$

یعنی این‌که حداقل میزان مصرف کالا i ام در این دوره (γ_{it}) بستگی به میزان مصرف همین کالا در دوره گذشته دارد و توسط ضریب α تعدیل می‌شود.

۵. داده‌ها و روش تخمین

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه شامل اطلاعات داده‌های بودجه خانوار جمع‌آوری شده توسط مرکز آمار ایران در دوره ۸۶-۱۳۷۹ می‌باشد. آمارگیری از هزینه و درآمد خانوارهای ایرانی تا سال ۱۳۸۳ بر اساس سیستم کدگذاری و توصیف کالاهای هماهنگ^۳ صورت می‌گرفت؛ ولی مرکز آمار ایران در سال ۱۳۸۳ برای اولین بار پرسش‌نامه طرح بودجه خانوار را بر اساس طبقه‌بندی مصرف فردی بر حسب هدف^۴

1. Pollak, R. A. and Wales, T.J. (1969)

2. Habit Formation

3. CPC= Certified Professional Coder

4. COICOP=Classification of Individual Consumption by Purpose

تهیه و اجرا کرد و در نشریه سال ۱۳۸۳ به بعد، جداول جدیدی بر اساس این طبقه‌بندی ارائه داد.

جدول ۱. مقایسه و انطباق گروه‌های مختلف کالایی در دو سیستم کدگذاری و توصیف کالاهای هماهنگ و طبقه بندی مصرف فردی بر حسب هدف

(COICOP) طبقه بندی مصرف فردی بر حسب هدف		(CPC) سیستم کدگذاری و توصیف کالاهای هماهنگ	
بخش	شرح	بخش	شرح
۰۱	هزینه‌های خوراکی خانوار	۱	هزینه‌های خوراکی و دخانی خانوار
۰۲	نوشیدنی‌های طبقه‌بندی نشده (در جای دیگر)، دخانی‌ها و سایر مواد دخانی خانوار		
۰۳	هزینه‌های پوشاک و کفش خانوار	۲	هزینه‌های پوشاک خانوار
۰۴	هزینه‌های مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار	۳	هزینه‌های جاری مسکن، آب، فاضلاب، سوخت و روشنایی خانوار
۰۵	هزینه‌های مبلمان، لوازم خانگی و نگهداری معمول آن‌ها	۴	هزینه‌های مربوط به لوازم، وسائل و خدمات خانوار
۰۶	هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوار	۵	هزینه‌های بهداشتی و درمانی خانوار
۰۷	هزینه‌های حمل و نقل خانوار	۶	هزینه‌های جاری حمل و نقل و ارتباطات خانوار
۰۸	هزینه‌های ارتباطات خانوار		
۰۹	هزینه‌های مربوط به خدمات فرهنگی و تفریحات خانوار	۷	هزینه‌های مربوط به تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی خانوار
۱۰	هزینه‌های آموزش و تحصیل خانوار		
۱۱	هزینه‌های غذاهای آماده، هتل و رستوران خانوار		
۱۲	هزینه‌های کالاها و خدمات متفرقه خانوار	۸	هزینه‌های مربوط به کالاها و خدمات متفرقه خانوار
۱۳	تهیه و فروش کالاهای بادوام منزل، سایر هزینه‌های خانوار و انتقالات	۹	تهیه و فروش کالاهای بادوام منزل، هزینه‌های مذهبی و سایر هزینه‌های خانوار

منبع: پرسش‌نامه‌های طرح بودجه خانوار، مرکز آمار ایران، سال‌های ۸۶-۱۳۷۹

بر اساس سیستم کدگذاری و توصیف کالاهای هماهنگ (CPC)، مرکز آمار ایران کلیه کالاها و خدمات مصرفی خانوارهای شهری و روستایی تا سال ۱۳۸۳ را به هشت گروه شامل «خوراکی‌ها، آشامیدنی‌ها و دخانیات»، «پوشاک و کفش»، «مسکن، سوخت و آب و برق»، «مبلمان و اثاثیه منزل»، «بهداشت و درمان»، «حمل و نقل و ارتباطات»، «تفریحات، سرگرمی‌ها و خدمات فرهنگی» و «کالاها و خدمات متفرقه» تقسیم

می‌نمود. این تقسیم‌بندی از سال ۱۳۸۳ به بعد که مرکز آمار ایران طبقه‌بندی مصرف فردی بر حسب هدف را اجرا نمود، تغییر کرد. به‌منظور استفاده صحیح از آمارها بر اساس تعاریف آمارگیری، در جدول (۱) تعاریف بر اساس دو سیستم طبقه‌بندی انطباق داده شده است.

در این مقاله از گروه‌های هزینه‌ای اول تا هشتم (و گروه‌های متناظر آن در COICOP بر اساس جدول فوق) برای برآورد مدل تقاضا و خط فقر استفاده شده، و گروه کالایی نهم (و ۱۳ در COICOP) به‌دلیل کالای با دوام، خارج شده است. برای آمارهای قیمت از داده‌های بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران برای شاخص‌های قیمت گروه‌های کالایی در مناطق شهری و برای داده‌های شاخص قیمت گروه‌های مختلف کالایی در مناطق روستایی از داده‌های مرکز آمار ایران استفاده شده است.

در برازش اولیه مدل از داده‌های خام و غیر گروه‌بندی شده استفاده شد؛ ولی به‌دلیل مشاهده کمیت صفر برای تعداد زیادی از خانوارها (مشاهدات) و مشکلات ناشی از آن در تخمین، خانوارهای شهری و روستایی هر کدام به تفکیک توسط روش پژوهش و خسروی‌نژاد (۱۳۸۳)، در پنج طبقه متمایز طبقه‌بندی شدند. سپس داده‌های خانوار برای هر یک از گروه‌های کالایی در طبقات پنج‌گانه میانگین گرفته شده و مدل بر روی داده‌های متوسط طبقات برازش گردید.

۶. برآورد سیستم مخارج خطی

داده‌های مورد استفاده در این مطالعه حاوی دو بُعد؛ زمان و مقطع (میانگین گروه‌های پنج‌گانه) می‌باشد. برای برازش مدل بر روی داده‌های تابلویی دستگاه معادلات (۸) اندیس g را برای گروه‌های پنج‌گانه در نظر گرفته و به‌منظور تصادفی کردن معادله جمله اختلال u را به آن اضافه می‌کنیم، در آن صورت داریم:

$$E_{igt} = \gamma_{it} p_{igt} - \beta_i \sum_k \gamma_{kt} p_{kgt} + \beta_i M_{gt} + u_{igt} \quad (12)$$

$i, k = 1, \dots, 7 \quad g = 1, \dots, 5 \quad t = 1379, \dots, 1386$

که $E_{ig} = p_{ig} q_{ig}$ ، در دستگاه بالا i نماینده کالاهای مورد مطالعه (شامل ۷ گروه

کالایی)، g نشان‌دهنده طبقات پنج‌گانه و t برای سال (۷ سال) می‌باشد. از آنجا که کلیه خانوارهای درون طبقات پنج‌گانه با بردار قیمت‌های تحقق یافته در بازار مواجه هستند، پس قیمت برای تمامی طبقات یکسان و داده شده است، بنابراین می‌توان نوشت $p_{igt} = p_i$. حال با جانشین کردن رابطه (۱۱) داریم:

$$E_{igt} = \alpha_i q_{igt-1} p_{it} - \beta_i \sum_j \alpha_j p_{jgt-1} q_{jgt-1} + \beta_i M_{gt} + u_{igt} \quad (13)$$

از آنجا که بنا به تعریف $q_{igt} = \frac{E_{igt-1}}{p_{it-1}}$ می‌توانیم متغیر جدیدی مثل X_{igt} را به صورت زیر تعریف کنیم:

$$X_{igt} = \frac{E_{igt-1}}{p_{it-1}} \times p_{it} \quad (14)$$

پس از جایگذاری رابطه (۱۴) در معادله (۱۳) داریم:

$$E_{igt} = \alpha_i X_{igt} - \beta_i \sum_j \alpha_j X_{jgt} + \beta_i M_{gt} + u_{igt} \quad (15)$$

غیر خطی بودن دستگاه (۱۵) نسبت به پارامترها، برآورد آنرا با پیچیدگی مواجه می‌کند. از این رو، روش برآورد و خصوصیات آماری برآوردیاب‌ها به ساختاری که برای جمله اختلال در نظر گرفته می‌شود، وابسته است. در این حالت، روش مناسب برآورد به پیش فرض‌های مدل‌ساز در مورد شکل‌گیری بردار ضرایب میان واحدهای مقطعی (گروه‌های پنج‌گانه) در طی زمان دارد. در صورتی که پیش فرض آن باشد که ضرایب طی زمان ثابت است، روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (SUR) استفاده می‌شود.^۲

برآورد مدل برای خانوارهای شهری

پارامترهای سیستم مخارج خطی در حالت پویا (با فرض شکل‌گیری عادت برای حداقل معاش‌ها) با به‌کارگیری روش رگرسیون‌های به‌ظاهر نامرتب (SUR) بر دستگاه

1. Seemingly Unrelated Regression

۲. برای اطلاع بیشتر به خسروی‌نژاد (۱۳۸۸)، صفحه ۱۵ و یا به Judge, G. et. al. (1985) صفحات ۱۸-۱۵ مراجعه نمایید.

(۱۵) با کنار گذاشتن معادله گروه کالایی "سایر کالاها" توسط داده‌های بودجه خانوار شهری (بر روی میانگین طبقات پنج‌گانه) طی دوره ۸۶-۱۳۷۹ برآورد و نتایج آن در جدول (۴) آمده است.

جدول ۴. برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی خانوارهای شهری

گروه کالا پارامترها	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان	سایر کالاها
β	۰/۳۸۸۹	۰/۰۸۰۸	۰/۴۸۳	۰/۰۳۲۱	۰/۰۹۱	۰/۰۷۹۹	۰/۲۳۲۲
آماره t	۳/۳۸	۲/۰۵۶	۳/۹۱۱	۱/۸۴۶	۲/۳۹۵	۱/۹۳۰	
α	۰/۳۲۰	۰/۵۸۷	۰/۲۴۲	۰/۵۹۶	۰/۴۹۹۷	۰/۶۳۱	۲/۵۳۷
آماره t	۳/۰۷۰	۶/۵۴۸	۱/۸۱۳	۶/۴۲۹	۵/۷۴۰	۵/۸۵۷	۱/۷۸۲
R^2	۰/۹۴۶	۰/۹۸۲	۰/۹۶۷	۰/۹۶۹	۰/۹۶۶	۰/۹۸۲	-

منبع: یافته‌های پژوهش

ضریب مخارج فرامعیشتی برای گروه کالایی "سایر کالاها" به صورت زیر به دست آمده است:

$$\beta_g = 1 - \sum_{i=1}^7 \beta_i \quad (16)$$

که عدد یک نشانگر برابر واحد بودن جمع کلیه ضرایب فرامعیشتی است. چنانچه درآمد فرامعیشتی یک خانوار شهری ۱۰۰۰ ریال افزایش یابد، ۳۸۹ ریال آن صرف خوراکی‌ها، ۸۰ ریال صرف پوشاک و کفش، ۴۸۳ ریال صرف مسکن و سوخت، ...، ۲۳۲ ریال صرف مخارج سایر کالاها (شامل تفریح و تحصیل، کالاها و خدمات متفرقه) می‌شود.

جهت به دست آوردن ارزش ریالی حداقل معاش‌های هر سال و یا مخارجی که به طور متوسط برای یک خانوار شهری الزامی است، طرفین رابطه (۱۱) را در p_{it} ضرب می‌کنیم:

$$Y_{it} p_{it} = \alpha_i (q_{it-1} p_{it})$$

بر اساس رابطه (۱۴)، عبارت داخل پرانتز رابطه فوق، همان X_{it} است. پس داریم:

$$Y_{it}P_{it} = \alpha_i X_{it} \quad (17)$$

که $Y_{it}P_{it}$ برآورد ارزش ریالی حداقل مخارجی است که توسط خانوارها در دوره t روی کالای i ام هزینه می‌شود. حداقل معاش‌ها بر اساس برآوردهای α (در جدول ۴) برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ محاسبه شده و در جدول (۵) آمده است.^۱

جدول ۵. برآورد حداقل معاش‌ها برای خانوارهای شهری در گروه‌های مختلف کالایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ (واحد: هزار ریال)

سال	گروه کالا	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان
۱۳۸۰	۲۴۲۹	۱۳۲۴	۱۹۴۹	۵۲۲	۱۰۲۴	۹۵۸	
۱۳۸۱	۲۹۲۲	۱۳۶۷	۲۳۳۲	۶۸۲	۱۱۷۳	۱۲۰۳	
۱۳۸۲	۳۵۹۰	۱۷۹۴	۲۸۲۳	۸۰۴	۱۵۳۴	۱۵۸۸	
۱۳۸۳	۴۲۴۶	۱۹۰۳	۳۳۲۶	۹۶۶	۱۶۴۵	۱۹۱۳	
۱۳۸۴	۴۵۸۵	۲۲۷۱	۳۵۸۷	۱۱۱۹	۱۷۶۵	۲۲۲۲	
۱۳۸۵	۵۱۷۳	۲۶۳۳	۳۹۹۲	۱۳۰۲	۱۹۷۳	۲۸۴۷	
۱۳۸۶	۶۳۶۱	۳۴۷۲	۵۲۶۸	۱۶۲۴	۲۷۷۸	۳۹۰۸	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس برآوردهای به‌دست آمده، حداقل معاش سالانه خوارکی‌ها برای یک خانوار شهری در سال ۱۳۸۰ برابر ۲۴۲۹ هزار ریال، در سال ۱۳۸۳ معادل ۴۲۴۶ که با افزایش مستمر به رقم ۶۳۶۱ هزار ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. این رقم برای مسکن از ۱۹۴۹ هزار ریال در سال ۱۳۸۰ به رقم ۵۲۶۸ هزار ریال در سال ۱۳۸۶ می‌رسد. طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ حداقل معاش خوارکی خانوارهای شهری از رشد متوسط سالانه حدود ۱۷/۴ درصد برخوردار بوده است که این خود ناشی از افزایش سطح عمومی قیمت کالاهای خوارکی از یک طرف و افزایش سطح زندگی متاثر از

۱. از آنجا که برآورد ضریب α برای گروه کالایی «سایر کالاها و خدمات» بزرگ‌تر از یک به‌دست آمده است از محاسبه آن صرف نظر شده است.

افزایش درآمد و انتظارات افراد از سوی دیگر بوده است.

برآورد مدل برای خانوارهای روستایی

همانند برازش مدل برای خانوارهای شهری، پارامترهای سیستم مخارج خطی در حالت پویا با کاربست رگرسیون‌های به ظاهر نامرتب (SUR) بر دستگاه (۱۵) و با کنار گذاشتن معادله مربوط به گروه کالایی "سایر کالاها" توسط داده‌های آماری بودجه خانوارهای روستایی طی دوره زمانی ۸۶-۱۳۷۸۰ برآورد شده و در جدول (۶) آمده است.^۱

جدول ۶. برآورد پارامترهای سیستم مخارج خطی خانوارهای روستایی

گروه کالا پارامترها	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان	سایر کالاها
β	۰/۴۸۲۴	۰/۱۱۱۳	۰/۱۴۱۴	۰/۰۵۲۳	۰/۰۷۵۶	۰/۰۵۳۲	۰/۰۸۳۷
آماره t	۴/۱۵۹	۳/۲۹۰	۳/۷۸۳	۲/۹۳۲	۲/۸۱۲	۲/۲۱۱	-
α	۰/۱۵۷۴	۰/۲۹۳۹	۰/۲۰۸۶	۰/۳۸۸	۰/۳۶۲۲	۰/۵۵۱	۶/۲۹۲
آماره t	۲/۳۳۹	۵/۱۵۲	۳/۱۹۷	۵/۶۳۲	۴/۴۴۲	۵/۴۸۰	۲/۷۴۴
R^2	۰/۹۴۸	۰/۹۸۴	۰/۸۵۷	۰/۹۸۲	۰/۹۸۴	۰/۹۷۳	-

ماخذ: یافته‌های پژوهش

ضریب مخارج فرامعیشتی برای گروه کالایی «کالاها و خدمات متفرقه» با توجه به این‌که معادله این گروه کالایی کنار گذاشته شده است، از رابطه (۱۶) به دست آمده است. در صورتی‌که مخارج فرامعیشتی سالانه خانوارهای روستایی به‌طور متوسط ۱۰۰۰ ریال افزایش یابد، ضرایب میل نهایی به مخارج فرامعیشتی (β_i ها) مشخص می‌کنند که ۴۸۲ ریال آن صرف خوراکی‌ها، ۱۴۱ ریال صرف مسکن، و باقیمانده آن، یعنی ۳۷۷ ریال،

۱. به دلیل بزرگ‌تر از یک بودن برآورد ضریب α برای گروه کالایی «سایر کالاها و خدمات»، حداقل معاش برای این گروه محاسبه نشده است.

صرف مخارج کلیه کالاها و خدمات به غیر از دو گروه پیش گفته خواهد شد. حداقل معاش‌های خانوارهای روستایی را می‌توان توسط رابطه (۱۷) به دست آورد، این ارزش‌های ریالی برای سال‌های ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ محاسبه شده و در جدول (۷) آمده است.

جدول ۷. حداقل معاش‌ها برای خانوارهای روستایی در گروه‌های مختلف کالایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ (واحد: هزار ریال)

سال	گروه کالا	خوراک و دخانیات	پوشاک	مسکن	کالا و خدمات در منزل	حمل و نقل و ارتباطات	بهداشت و درمان
۱۳۸۰	۱۲۲۵	۶۸۹	۵۳۹	۳۲۷	۴۵۶	۴۷۸	
۱۳۸۱	۱۴۴۷	۶۴۹	۶۶۳	۳۹۹	۵۷۲	۶۰۷	
۱۳۸۲	۱۷۴۷	۷۹۷	۷۹۷	۴۸۱	۷۳۳	۷۹۲	
۱۳۸۳	۱۹۲۷	۸۸۳	۹۲۴	۵۵۸	۸۱۶	۹۹۲	
۱۳۸۴	۲۳۸۴	۱۱۱۵	۱۰۷۶	۷۹۲	۱۰۳۴	۱۳۱۴	
۱۳۸۵	۲۶۹۹	۱۱۴۰	۱۱۲۸	۸۴۷	۱۱۳۱	۱۵۴۲	
۱۳۸۶	۳۵۱۵	۱۵۰۵	۱۴۴۲	۱۱۱۳	۱۵۸۱	۲۱۹۴	

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس نتایج به دست آمده، در سال ۱۳۸۰ حداقل مخارج معیشتی خوراکی‌ها برای یک خانوار روستایی برابر ۱۲۲۵ هزار ریال، در سال ۱۳۸۳ به ۱۹۲۷ هزار ریال افزایش یافته و نهایتاً در سال ۱۳۸۶ به ۳۵۱۵ هزار ریال رسیده است. طی دوره ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۶ حداقل مخارج الزامی خوراکی‌ها برای یک خانوار روستایی سالانه به طور متوسط معادل ۱۹/۲ درصد رشد داشته است.

۷. برآورد خط فقر و شاخص‌های فقر

با جمع زدن روی حداقل معاش‌ها برای گروه‌های کالایی خوراک و دخانیات، پوشاک، مسکن، کالا و خدمات در منزل، حمل و نقل و ارتباطات، و بهداشت و درمان؛ مجموع حداقل معاش‌های مذکور به عنوان برآورد خط فقر به دست می‌آید. این خط فقر برای

مناطق شهری و روستایی محاسبه و در جدول (۸) آمده است.

جدول ۸. برآورد خط فقر در مناطق شهری و روستایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ (واحد: هزار ریال)

سال	خط فقر در مناطق شهری	خط فقر در مناطق روستایی
۱۳۸۰	۸۲۳۲	۳۷۱۴
۱۳۸۱	۹۶۷۹	۴۳۳۸
۱۳۸۲	۱۲۱۳۴	۵۳۴۸
۱۳۸۳	۱۳۹۹۹	۶۰۹۹
۱۳۸۴	۱۵۵۴۹	۷۷۱۶
۱۳۸۵	۱۷۹۱۹	۸۴۸۸
۱۳۸۶	۲۳۴۱۱	۱۱۳۵۱

منبع: جداول (۵) و (۷)

بر اساس نتایج به دست آمده، در سال ۱۳۸۰ کل حداقل معاش‌های یک خانوار شهری (خط فقر شهری) برابر ۸۲۳۲ هزار ریال، در سال ۱۳۸۳ به ۱۳۹۹۹ هزار ریال افزایش یافته و نهایتاً به ۲۳۴۱۱ هزار ریال در سال ۱۳۸۶ رسیده است. برای خانوارهای روستایی حداقل معاش‌ها (خط فقر)، همانند خانوارهای شهری، طی دوره مورد بررسی روند صعودی داشته است؛ به گونه‌ای که از ۳۷۱۴ هزار ریال در سال ۱۳۸۰ به ۱۱۳۵۱ هزار ریال در سال ۱۳۸۶ افزایش یافته است. طی دوره مورد بررسی خط فقر روستایی سالانه به طور متوسط معادل ۲۰/۴ درصد رشد داشته است.

شاخص‌های فقر خانوارهای شهری و روستایی

برای محاسبه شاخص‌های فقر، از اطلاعات خام مخارج کل ناخالص خانوارها و محاسبات خط فقر در قسمت پیشین استفاده شده است. سپس شاخص‌های فقر سرشمار، شاخص شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک با استفاده از روابط (۱) تا (۳) محاسبه گردید. شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی در جدول (۹) آمده است.

جدول ۹. شاخص‌های فقر در مناطق شهری و روستایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ (واحد: درصد)

سال	مناطق شهری			مناطق روستایی		
	شاخص فقر سرشمار	شاخص شکاف فقر	شاخص مجذور شکاف فقر (FGT)	شاخص فقر سرشمار	شاخص شکاف فقر	شاخص مجذور شکاف فقر (FGT)
۱۳۸۰	۹/۵۷	۲/۹۲	۱/۳۲	۶/۸۲	۲/۴۲	۱/۲۲
۱۳۸۱	۸/۲۵	۲/۳۵	۱/۰۱	۶/۱	۲/۱۹	۱/۱۱
۱۳۸۲	۷/۷۲	۲/۳۲	۱/۰۲	۵/۰۷	۱/۵۷	۰/۷۲
۱۳۸۳	۷/۱۰	۲/۰۱	۰/۸۶	۴/۲۱	۱/۴۲	۰/۶۹
۱۳۸۴	۷/۳۷	۲/۰۱	۰/۸۵	۵/۷۶	۱/۸۷	۰/۸۸
۱۳۸۵	۸/۸	۲/۳۴	۰/۹۵	۵/۹۱	۱/۸۱	۰/۸۳
۱۳۸۶	۱۰/۳۵	۳/۱۴	۱/۴۱	۷/۶۹	۲/۴۵	۱/۱

منبع: یافته‌های پژوهش

نسبت خانوارهای زیر خط فقر در مناطق شهری در سال ۱۳۸۰ برابر ۹/۶ درصد بوده است که آهنگ نزولی را تا سال ۱۳۸۳ تجربه کرده و به ۷/۱ درصد کاهش یافته است. در سال‌های بعدی، نتایج از تمایل به افزایش تعداد فقرا در مناطق شهری حکایت می‌کند. به عبارت دیگر، نرخ سرشمار فقر روند نزولی خود را ترک کرده و تمایل به صعود از خود نشان می‌دهد. این نتیجه برای جامعه روستایی نیز صادق است، به طوری که درصد خانوارهای زیر خط فقر در مناطق روستایی از سال ۱۳۸۴ به بعد روند صعودی را نشان می‌دهد. از منظر شاخص شکاف فقر، نتایج حاکی از صعودی بودن روند شاخص مذکور برای جامعه شهری و روستایی است. به عبارت دیگر عمق فقر در نیمه دوم دوره مورد بررسی زیادتر گردیده است.

۸. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری

در این مقاله ضمن مرور بر تعاریف و شاخص‌های فقر، فقر نسبی مورد توجه قرار گرفته و خط فقر بر اساس رویکرد رفتار مصرفی و مطلوبیت‌گرایی در قالب سیستم مخارج خطی در حالت شکل‌گیری عادت، با استفاده از داده‌های گروه‌بندی شده بودجه

خانوار برای جوامع شهری و روستایی طی دوره ۸۶-۱۳۸۰ برآورد گردید. سپس شاخص‌های فقر سرشمار، شکاف فقر و شاخص فوستر، گریر و توربک محاسبه شد. نتایج نشان می‌دهد که برآوردهای خط فقر طی دوره مورد بررسی روند صعودی داشته است. هم‌چنین شاخص‌های فقر تا نیمه دوره مورد مطالعه روندی نزولی داشته ولی نیمه دوم آهنگ صعودی به خود گرفته است. یافته‌های مذکور توجه هرچه بیشتر را به پدیده فقر، پایش مستمر آن و سرعت بخشیدن به اقدامات موثر در فقرزدایی را بیش از پیش متذکر می‌شود.

منابع

- ابوالفتحی قمی، ابوالفضل (۱۳۷۱). درآمدی بر شاخص‌های نابرابری درآمد و فقر. مرکز آمار ایران.
- ابونوری، اسمعیل و عباسی قادی، رضا (۱۳۸۶)، برآورد اثر رشد اقتصادی بر فقر در ایران. فصل‌نامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، دانشگاه علامه طباطبائی، شماره ۲۳: ۳۰-۵۳.
- ابونوری، اسماعیل و مالکی، نادر (۱۳۸۶)، خط فقر در استان سمنان طی برنامه‌های توسعه (۱۳۸۳-۱۳۶۸). فصل‌نامه رفاه اجتماعی، سال هفتم، شماره ۲۸: ۲۸۷-۲۳۷.
- امینی، صفی‌ار و حسینی، سید فخرالدین (۱۳۸۷)، حداقل معیشت در مناطق شهری و روستایی کشور و استان کردستان. فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، شماره ۹۶: ۵-۱۱۵.
- ارضروم چیلر، نسرین (۱۳۸۴). ابعاد گوناگون فقر در ایران. مجموعه پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۲۷، اداره بررسی‌ها و سیاست‌های اقتصادی، بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.
- پژوهیان، جمشید (۱۳۷۸). مطالعه بررسی فقر و شرایط اقتصادی خانوارهای استان تهران، معاونت هماهنگی و برنامه‌ریزی سازمان برنامه و بودجه استان تهران، شماره ۷۸/۱۹.
- پژوهیان، جمشید و خسروی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۳). روشی برای طبقه‌بندی خانوارهای شهری ایران براساس مولفه‌های اقتصادی و اجتماعی خانوار، پژوهش‌نامه اقتصادی، شماره ۵۳: ۱۵-۷۳.
- خداداد کاشی، فرهاد و همکاران (۱۳۸۱). اندازه‌گیری شاخص‌های فقر در ایران، کاربرد انواع خط فقر، شکاف فقر، شاخص فقر ۱۳۶۳-۱۳۷۹. پژوهشکده آمار.
- خدادادکاشی، فرهاد و باقری، فریده (۱۳۸۴). نحوه توزیع فقر بین خانوارهای ایرانی. فصلنامه پژوهش‌های اقتصادی ایران، سال هفتم، شماره ۲۲: ۳۱-۴۳.
- خسروی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۹). پیش‌بینی نیازهای مصرفی خانوارهای استان سیستان و بلوچستان، همایش ادواری استان شناسی. موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی: ۲۸۵-۳۱۵.

- خسروی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۸). اندازه‌گیری اثرات رفاهی حذف یارانه کالاهای اساسی بر خانوارهای شهری ایران. *پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۱: ۵۰-۳۱.
- عظیمی، حسین (۱۳۷۴). مدارهای توسعه نیافتگی در اقتصاد ایران. نشر نی، تهران.
- متوسلی، محمود و صمدی، سعید (۱۳۷۸). شناخت جنبه‌های اقتصادی سیاست‌های کاهش فقر. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۵: ۶۵-۹۸.
- محمودی، وحید (۱۳۸۱). اندازه‌گیری فقر در ایران. *فصلنامه پژوهش‌نامه بازرگانی*، شماره ۲۴: ۲۷-۵۷.
- محمودی، وحید (۱۳۸۶). اندازه‌گیری فقر و توزیع درآمد در ایران. انتشارات سمت، تهران.
- مرکز آمار ایران، آمار خام طرح بودجه خانوار، سال‌های ۸۶-۱۳۷۹، تهران.
- مهرگان، نادر و موسایی، میثم و کیهانی حکمت، رضا (۱۳۸۷). رشد اقتصادی و توزیع درآمد در ایران، *فصلنامه رفاه اجتماعی*، شماره ۲۸: ۵۷-۷۷.
- نادران، الیاس و غلامی نتایج امیری، سعید (۱۳۷۹). کنکاش در وضعیت معیشتی مناطق شهری استان مازندران: سیاهی‌فرد در لابه‌لای ترک‌های سبز. *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۵۷: ۱۶۱-۱۸۷.
- هاشمی، ابوالقاسم و خسروی‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۷۴). سیستم مخارج خطی الگوی تقاضای خانوارهای شهری ایران. *مجله اقتصاد دانشگاه شهید بهشتی*، شماره ۴: ۷۴-۹۲.
- Bibi, S. A welfare analysis of the price system reform's effects on poverty in Tunisia, API-working paper series 9902, Arab Planning Institute - Kuwait, information center:179-207.
- Bourguignon, F. & Fields, G.S. (1995). Discontinuous losses from poverty, general P_{α} measures, and optimal transfer to the poor. *Journal of Public Economics*, 63(2): 155-175.
- Foster, J. E., & Greer, J. & Thorbeck, E. (1984). A class of decomposable poverty measure, *econometrica*, 52: 761-766.
- Geary, R.C. (1950). A note on: A constant utility index of cost of living the review of Economic Studies, 18:65-66.
- Greer, J. & Thorbecke, E. (1986). A methodology for measuring food poverty applied to kenya. *Journal of Development Economics*, 24: 59-74.
- Judge, G., & Griffiths, R., & Hill, H. L. (1985). The theory and practice of econometrics, second edition, New York, John Wiley and Sons, Inc.
- Klien, L. R. & Rubin, H. (1948), A constant utility index of cost of living, *The review of Economic Studies*, 15(2) : 78-83.
- Pollak, R. A. & Wales, T.J. (1969), Estimation of linear expenditure system, *Econometrica*, 37(4) : 629-650.
- Ravallion, M. (1996), Issues in measuring and modelling poverty, *The Economic Journal*, 106 : 1328-1343.

- Sen, A. (1976). Poverty: An ordinal approach to measurement. *Econometrica*, 44(2): 219-231.
- Time Series Processor. (1991). Version 4.4, Reference Manual.
- Time Series Processor. (1991). Version 4.4, User's Manual.
- Townsend, P. (1985). A sociological approach to measurement of poverty: a rejoinder to professor amartya sen. *Oxford Economic Papers*, 37(4):669-676.

Archive of SID